

تعریف عکس مستوی از دیدگاه ابن سینا^۱

سعید انواری^۲

دکتر روح‌الله عالمی

دانشیار دانشگاه تهران

چکیده

ابن سینا در بیشتر آثار منطقی خود، قید «باقی ماندن کذب» را بر تعریف عکس مستوی افزوده است که این قید در آثار منطق‌دانانی چون فخر رازی، ابهری تکرار شده است؛ اما اکثر منطق‌دانان با این مطلب به مخالفت برخاسته‌اند. به عنوان مثال، خواجه نصیر طوسی معتقد است که قید مذکور در اثر اشتباه کاتبان پدید آمده است، در این مقاله ابتدا با تأکید بر وجود قید مذکور در شش اثر منطقی ابن سینا نشان داده می‌شود که نمی‌توان این قید را ناشی از سهو کاتبان دانست. با طرح و ارزیابی دلایل موافقان و مخالفان این قید، مشخص می‌شود که پذیرش قید مذکور باعث ایجاد ناسازگاری در نظام منطقی ابن سینا می‌گردد. در متن مقاله دو راه حل جهت حل این مشکل ارائه شده است. راه حل نخست که بر اساس حذف قید مذکور شکل گرفته است، توسط خواجه نصیر و سایر منطق‌دانان متأخر ارائه شده است و راه دیگر که به تغییر روابط عکس مستوی می‌پردازد، توسط مؤلفان مقاله ارائه گردیده است. همچنین نشان داده شده است که هر یک از این دو راه حل، دارای چه امتیازات و چه معایبی هستند.

واژگان کلیدی

عکس مستوی، بقا کذب، منطق، ابن سینا، خواجه نصیر

۱- دریافت مقاله: ۸۷/۷/۶؛ پذیرش نهایی: ۸۷/۱۰/۱۰

۲- دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

ابن‌سینا در بسیاری از آثار منطقی خود، قید «بقا کذب» را به تعریف عکس مستوی افزوده‌است. بر این اساس می‌توان آثار منطقی وی را به سه دسته تقسیم کرد^۱:

الف - آثاری که در آنها قید «بقا کذب» در تعریف عکس مستوی به کار رفته‌است؛ این آثار که در مجموع، شش اثر به شمار می‌آیند، عبارتند از:

۱- *الإشارات و التنبیحات*؛ ابن‌سینا در کتاب *اشارات* می‌نویسد:

«عکس آن است که محمول قضیه را موضوع قراردهیم و موضوع را محمول گردانیم، با حفظ کیفیت قضیه و باقی‌ماندن صدق و کذب آن به حالت اولیه خود»
(ابن‌سینا، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۹۶).

البته در ترجمه و شرح *اشارات* نوشته دکتر حسن ملک‌شاهی این قید وجود ندارد (ملک‌شاهی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۳۹۷). همچنین در اشارات تصحیح محمود شهابی، این قید در پاورقی و به عنوان نسخه بدل ارائه شده‌است (ابن‌سینا، ۱۳۳۹، ص ۳۶) و سلیمان دنیا در تصحیح خود از کتاب *اشارات*، به وجود نسخه‌هایی که فاقد این قید هستند، اشاره کرده‌است (همو، ۱۳۳۶، ج ۱، ص ۳۲۱) یا چنان که خواجه نصیر نوشته‌است، این قید در برخی از نسخه‌های اشارات که در زمان وی موجود بوده است، وجود نداشته‌است (طوسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۹۶).

در اینجا بر اساس چاپ‌های نشر البلاغه قم (ابن‌سینا، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۹۶) و لیدن هلند (همو، ۱۸۹۲، ج ۱، ص ۵۱) که در آنها این قید در متن کتاب به کار رفته است، کتاب *اشارات* را جزء آثاری به شمار آورده‌ایم که ابن‌سینا در آنها قائل به «بقا کذب» در عکس مستوی بوده‌است.

۲- *نجاه*؛ وی در این کتاب نیز این قید را در تعریف عکس مستوی به کار برده است و می‌نویسد: «عکس آن است که موضوع، محمول گردد و محمول، موضوع شود به همراه باقی‌ماندن سلب و ایجاب به حالت خود و صدق و کذب به حالت خود» (همو، ۱۳۷۹، ص ۴۵).

۱ - آثار منطقی ابن‌سینا بر اساس کتاب‌شناسی یحیی مهدوی مشخص گردیده‌اند نک: مهدوی، ۱۳۳۳، مقدمه.

۳- *عیون الحکمه*؛ تعریف ابن سینا در این کتاب مشابه تعریف وی در کتاب نجاه است. گرچه این قید در دو چاپ مختلف از این کتاب که توسط عبدالرحمن بدوی (ابن سینا، ۱۹۸۰، ص ۵) و حلمی ضیا اولکن (همو، ۲۰۰۵، ص ۵) منتشر شده است وجود ندارد، اما در چاپ عکسی این کتاب که از روی نسخه‌ای خطی، توسط انتشارات دانشگاه تهران منتشر شده است، این قید موجود است (همو، ۱۳۳۳، ص ۴)؛ همچنین در شرح *عیون الحکمه* فخر رازی نیز این قید ذکر شده است (همو، ۱۳۷۳، ص ۱۵۵).

۴- *المختصر الاوسط فی المنطق*؛ تعریف ابن سینا در این رساله نیز با تعریف وی در کتاب نجاه یکسان است (همو، نسخه خطی ش ۴۸۲۹، گ ۱۷).

۵- *الموجز الصغیر فی المنطق*؛ ابن سینا در این رساله تعریف کتاب *اشارات* را تکرار کرده است و بقا کذب را در تعریف خود به کار برده است (همو، نسخه‌های خطی: ش ۳۴۴۷، گ ۱۰؛ ش ۴۷۵۵/۳، گ ۲۹؛ ش ۴۸۹۴/۷، گ ۲۲).

۶- *مفاتیح الخزائن فی المنطق*؛ ابن سینا در این رساله می‌نویسد:
«به هر قضیه‌ای که در هنگام عکس کردن [موضوع و محمول]، صدق یا کذب آن باقی نماند، غیرمنعکسه گفته می‌شود و به آنکه صادق یا کاذب باقی بماند، منعکس گفته می‌شود» (همو، نسخه خطی ش ۴۶۴۳، گ ۱۲).
سه اثر اخیر از ابن سینا تاکنون منتشر نشده‌اند و بدین جهت در تحقیق حاضر از نسخه خطی آنها استفاده شده است.

ب - آثاری که در آنها قید «بقا کذب» در تعریف عکس مستوی به کار نرفته است؛ ابن سینا در کتاب‌های *شفا* (همو، ۱۴۰۵ هـ ج ۲، ص ۷۵) و *دانشنامه علایی* (همو، ۱۳۳۱، ص ۵۶) و *الهدایه* (همو، ۱۹۷۴، ص ۸۷) و *القصیده المزوجه* (همو، ۱۹۱۰، ص ۹) قید «بقا کذب» را در تعریف خود به کار نبرده است.

البته این احتمال وجود دارد که در نسخه‌هایی از این کتاب‌ها، این قید وجود داشته باشد و لازم است تا کلیه نسخه‌های موجود از آنها مورد بررسی قرارگیرند، اما بر اساس نسخه‌های چاپی موجود، آنها را جزء دسته دوم قرار می‌دهیم.

ج - دسته سوم از آثار منطقی ابن‌سینا، آثاری هستند که در آنها مبحث عکس مستوی مطرح نشده‌است و یا به تعریف عکس مستوی اشاره‌ای نشده‌است این آثار عبارتند از: *منطق المشرقیین؛ نکت المنطق؛ المسائل الغریبه العشرینیة؛ الحکمه العروسیه و منطق الموجز*. مشخصات این آثار در بخش منابع مقاله ذکر شده‌اند. پس از ابن‌سینا، اکثر منطق‌دانان مسلمان، قید بقا در کذب را در تعریف عکس مستوی به کار نبرده‌اند؛ اما با این وجود منطق‌نگارانی چون سهروردی^۱، ابهری، فخر رازی و ابن‌سهلان ساوی این قید را در تعریف خود به کار برده‌اند (سهروردی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۳۱؛ همو، ج ۴، ص ۱۶۳؛ همو، ۱۳۳۳، ص ۴۰؛ رازی، ۱۳۷۴، ص ۲۱۱؛ همو، ۱۳۸۱، ص ۱۸۵؛ همو، ۱۹۸۶، ص ۴۹؛ ساوی، ۱۳۱۶، ص ۷۲؛ همو، ۱۳۳۷، ص ۵۱؛ ابهری، ۱۳۷۸، ص ۱۸ و ۸۷). از آنجا که با وجود تکرار این مطلب در شش اثر ابن‌سینا و ذکر آن توسط برخی از منطق‌دانان نمی‌توان این مسأله را به سهو کتابت نسبت داد، در این مقاله افزودن این قید، مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

بررسی قید «بقا کذب»

برخی از منطق‌دانان در کتاب‌های خود، قید «بقا کذب» در تعریف عکس مستوی را مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند که در این بخش پس از ذکر این نظریات به داوری میان آنها می‌پردازیم. این نظریات را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف - نظریات مخالفان «بقا کذب»: مهمترین کسی که با وجود این قید به مخالفت برخاسته است، خواجه نصیر طوسی است. در اینجا به ذکر اشکالات وی و سایر مخالفان می‌پردازیم و نظرات آنها را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم:

۱- خواجه نصیر، قید «بقا کذب» را نپذیرفته (طوسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۹۶؛ همو، ۱۳۸۱، ص ۱۳۹) و آن را ناشی از دخل و تصرف ناسخان دانسته است. وی می‌نویسد که در برخی از نسخ اشارات این قید وجود ندارد و برخی از منطق‌دانان متأخر، بدون

۱- البته سهروردی در بخش منطق کتاب *المشارع و المطارحات*، «بقا صدق و کذب» را قول مشهور معرفی می‌کند و می‌نویسد که صحیح‌تر آن است که بگوییم: «مع بقاء الصدق» (سهروردی، ۱۳۸۴، ص ۲۷۳-۲۷۲).

توجه به غلط بودن این قید، آن را در تعریف خود به کار برده‌اند (طوسی، همو، ص ۱۹۶).

بر این اساس این احتمال وجود دارد که در عبارت ابن‌سینا تعبیر «بقا کیف» بوده است که در اثر سهو کاتبان، کلمه «کیف» به «کذب» مبدل شده است.^۱ همچنین گفته شده است که تکرار این قید در کتب سایر منطقدانانی که پیش از این به آنها اشاره گردید، در اثر نقل کردن سخنان ابن‌سینا و تأمل نکردن در آنها بوده است (شهابی، ۱۳۶۴، ص ۲۲۸-۲۲۹). خواجه نصیر و پیروان وی به این دلیل معتقدند که این قید در اثر سهو در کتابت ایجاد شده است که ابن‌سینا در *دانشنامه علایی* (*ابن‌سینا*، ۱۳۳۱، ص ۵۶) و شفا (همو، ۱۴۰۵ هـ ج ۲، ص ۷۵)، قید «بقا کذب» را به کار نبرده است، و به این ترتیب تعریف کامل و صحیحی از عکس ارائه کرده است (*خوانساری*، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۲۷۹). به عنوان مثال، ابن‌سینا در *دانشنامه علایی* می‌نویسد: «عکس آن بود که موضوع، محمول کنی و محمول، موضوع کنی یا مقدم، تالی کنی و تالی، مقدم کنی و موجبی و سالبی بجای داری و راستی به جای بود» (همو، ۱۳۳۱، ص ۵۶).

نقد و بررسی: چنانکه ذکر گردید، ابن‌سینا در شش اثر مختلف خود، تعریفی مشابه *اشارات* ارائه کرده است (*ابن‌سینا*، ۱۳۷۹، ص ۴۷) و به نظر نمی‌رسد که بتوان تمامی این موارد را به اشتباه کاتبان منسوب نمود. بسیار بعید است که کاتبان آثار ابن‌سینا، در کتابت برخی از آثار وی نظیر *نجات* و *اشارات* و... در این بخش از تعریف، همواره دچار سهو قلم شده باشند. مؤلف «رهبر خرد»، گرچه خود، قید مذکور را نپذیرفته است، اما می‌نویسد: «شیخ در کتاب *نجات* خود نیز این قید را اعتبار کرده و گویا عبارت *نجات* به نظر خواجه طوسی نرسیده بوده، و گرنه شاید

۱- از آنجا که در برخی از تعاریفی که از عکس مستوی ارائه شده است، قید «بقا در کیف» در کنار «بقا در صدق» به کار رفته است، می‌توان نظر مطرح شده توسط خواجه طوسی را محتمل به شمار آورد. به عنوان مثال، در تعریف عکس مستوی در حاشیه مولی عبدالله چنین آمده است: «العکس المستوی هو تبدیل طرفی القضیه مع بقا الصدق و کیف» (بیزی، ۱۴۱۲ هـ ص ۷۴)؛ بسیار محتمل است که براساس نظر محقق طوسی، این عبارت توسط کاتبی بی‌دقت به صورت «... مع بقا الصدق و الکذب» نوشته شود.

در حکم به سهو ناسخ، تردید و تأملی می‌فرمود» (شهابی، ۱۳۶۴، ص ۲۲۹). بنابراین چنان که نشان داده شد، وجود این قید در نسخه‌های کتاب‌های *اشارات*، *نجاته عیون الحکمه*، *الموجز الصغیر* و *مفاتیح الخزائن* و... نشان می‌دهد که نمی‌توان افزودن این قید را به سهو کاتبان منسوب نمود.

همچنین از آنجا که کتاب *اشارات* پس از کتاب *شفا* تألیف شده است (ملکشاهی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۷)، نمی‌توان گفت که ابن‌سینا در این کتاب از تعریف خود در کتاب *اشارات* عدول کرده است، بلکه به دلیل متأخر بودن *اشارات*، می‌توان گفت که وی در این کتاب، تعریف کتاب *شفا* را تصحیح کرده و قید «بقا کذب» را به آن افزوده‌است.

۲ - خواجه نصیر می‌نویسد: قضیه عکس را می‌توان لازمه قضیه اصلی به شمار آورد و آنها را مانند مقدم و تالی یک قضیه شرطی دانست. بر این اساس در فرض صدق این مقدم می‌توان به صدق تالی دست یافت، اما لازم نیست که کذب مقدم باعث کذب تالی گردد، زیرا استثنا نقیض مقدم (در قیاس استثنایی) بدون نتیجه است (طوسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۹۶). این اشکال توسط برخی دیگر از منطقدانان نیز مطرح شده است^۱ به عنوان مثال، شارح مطالع می‌نویسد: «ولا یشرط بقا الکذب لجواز کون الملزوم کاذبا و اللازم صادقا» (رازی، ۱۳۸۴، ص ۲۳۶).

نقد و بررسی: این اشکال محقق طوسی نیز صحیح نیست. زیرا قضیه شرطی که وی به آن اشاره می‌کند بدین صورت است که: اگر قضیه اصلی کاذب باشد، آن گاه عکس آن کاذب است. و بدین صورت نیست که اگر قضیه اصلی صادق باشد، عکس آن نیز صادق باشد. بنابراین، با کاذب بودن قضیه اصلی، دچار مغالطه رفع مقدم نخواهیم شد. بلکه در این صورت نیز از طریق وضع مقدم به صدق تالی قضیه شرطی، یعنی به کاذب بودن عکس مستوی قضیه اصلی می‌رسیم. این مطلب به صورت زیر خلاصه شده‌است:

اگر الف صادق باشد، ب صادق است. اگر الف کاذب باشد، ب کاذب است.

۱- ر. ک. به: حلی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۰؛ میرزا محمدعلی، ۱۴۱۲، ص ۳۲۵.

الف صادق نیست (= الف کاذب است). الف صادق نیست (= الف کاذب است)

ب کاذب است .

× × ×

(تحلیل طوسی از شرطی مورد بحث) (تحلیل صحیح از شرطی مورد بحث)
این اشکال را می‌توان به نحو دیگری با استفاده از سخنان قطب رازی پاسخ
گفت. وی گرچه در شرح شمسیه تنها قید «بقا صدق» را پذیرفته است، اما عبارتی
دارد که می‌توان به کمک آن به پاسخی برای این اشکال دست یافت. وی
می‌نویسد: «مراد از بقا در صدق این نیست که قضایای عکس و اصل در حقیقت
صادق باشند، بلکه مراد آن است که قضیه اصل به نحوی است که اگر صدق آن
را فرض نماییم، صدق عکس آن لازم آید» (رازی، ۱۳۸۳، ص ۳۴۵).

بر این اساس می‌توان گفت که اگر «کاذب بودن قضیه نخست» عبارتی صادق
باشد، می‌توان به لازمه صادق آن یعنی «کاذب بودن قضیه عکس» دست یافت.
بنابراین چنان که توضیح داده شد، اشکال مطرح شده در مورد عدم وجود تلازم
میان قضیه کاذب و عکس آن، صحیح به شمار نمی‌آید^۱ مؤلف رهبر خرد پس از
ذکر انتقاد فوق می‌نویسد که اشکال مطرح شده «علاوه بر اینکه بدان پایه از متانت
نیست، ممکن است مورد تأمل و اعتراض نیز واقع شود» (شهبازی، ۱۳۶۴، ص ۲۲۹).

۳- شهرزوری معتقد است که قید «بقا کذب» را نمی‌توان در مورد قضایای
شرطی به کار برد و دلیل آن که ابن‌سینا در برخی از کتاب‌های خود این قید را به
کار نبرده است، آن است که می‌خواهد تعریفی از عکس ارائه نماید که شامل
قضایای شرطی نیز باشد (شهرزوری، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۸۲؛ همو، ۱۳۷۲، ص ۹۳).

۱- صاحب کشف اصطلاحات الفنون نیز به این مسأله اشاره کرده است و می‌نویسد: «و المراد ببقاء الصدق، لزوم بقاء معنی آنه لو فرض الاصل صادقاً لزوم منه لذاته مع قطع النظر عن خصوص المادة صدق الفرع بلا واسطه فرع آخر، لصدق المنروض فی الاصل فی الفرع لذاته بلا واسطه، لیدخل فی التعریف عکس القضیه الکاذبه» (تهانوی، ۱۹۹۶، ج ۲، ص ۱۲۰۳)

نقد و بررسی: از آنجا که در تعریف‌های اشاره شده از موضوع و محمول سخن گفته می‌شود، این تعریف‌ها نمی‌توانند برای قضیه شرطی به کار روند (فخررازی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۵). بنابراین قضایای شرطی تخصصاً از تعریف مذکور خارج هستند و نمی‌توان با تصحیح قید «بقا کذب» کاری کرد که این تعریف شامل قضایای شرطی گردد. علاوه بر آنکه موافقان این قید، در تعریف مستقلی که برای عکس مستوی قضایای شرطیه ارائه کرده‌اند، قید «بقا کذب» را نیز به کار برده‌اند (همو). بنابراین سخن شهرزوری صحیح نیست و نمی‌توان گفت که ابن‌سینا جهت داخل کردن قضایای شرطی به تعریف خود، قید مذکور را در کتاب *شفا* ذکر نکرده‌است.

۴- خواجه نصیر با ذکر یک مثال نقض، کوشیده‌است تا نادرست بودن قید «بقا کذب» را نشان دهد. وی می‌نویسد که قضیه: «هر حیوانی انسان است» کاذب است، اما عکس آن که عبارت از قضیه: «بعضی از انسان‌ها حیوان هستند» صادق است، بنابراین چنانچه مشاهده می‌شود، در عکس، بقا در کذب وجود ندارد و قید «بقا کذب» نمی‌تواند صحیح باشد (طوسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۹۶) این اشکال توسط برخی از منطق‌دانان متأخر پذیرفته شده‌است و آن را در کتاب‌های خود ذکر کرده‌اند^۱ همچنین قطب الدین شیرازی در شرح حکمه *الاشراق* سهروردی، همین اشکال را مطرح کرده‌است^۲ و می‌نویسد که با وجود آنکه در تمامی نسخه‌های کتاب و تمامی مصنفات شیخ اشراق، عبارت «بقا کذب» ذکر شده‌است^۳، اما این قید صحیح نیست. وی سپس با ذکر مثال خواجه نصیر می‌نویسد: «گویا [شیخ اشراق]

۱- به عنوان مثال ر. ک. به: رازی، ۱۳۸۳ ص ۳۴۵؛ حلی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۰؛ سبزواری، ۱۴۱۷ هـ ج ۱، ص ۲۷۴؛ فرصت، ۱۳۴۸، ص ۸۱.

۲- البته در نسخه چاپی این کتاب، مثال خواجه نصیر با تغییری جزئی ذکر شده است که احتمال دارد یا نسخه‌هایی که مبنای تصحیح قرار گرفته‌اند، دچار سهو کتابت بوده‌اند و یا قطب شیرازی به عمد مثال معروف را تغییر داده‌است ر. ک به: (شیرازی، ۱۳۸۴، ص ۸۶).

۳- چنان که پیش از این ذکر گردید، شیخ اشراق در کتاب *المشارع و المطارحات* از این قید عدول کرده است ر. ک به: (سهروردی، ۱۳۸۴، ص ۲۷۲-۲۷۳)، بنابراین سخن قطب شیرازی دقیق به شمار نمی‌آید.

قید بقا در کذب را بدون تأمل از بعضی کتابها نقل کرده است» (شیرازی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۷-۱۱۶). چنان که پیش از این ذکر گردید، این نظر توسط محمود شهابی در کتاب رهبر خرد نیز مطرح شده است (شهابی، ۱۳۶۴، ص ۲۲۸-۲۲۹).

نقد و بررسی: در اینجا چهار پاسخ به این اشکال ارائه می‌شود:

یک- میرزا مهدی آشتیانی در تعلیقات خود بر شرح منظومه می‌نویسد که اگر مراد از ملازمه در کذب، ملازمه تامه باشد، قید مذکور صحیح به شمار می‌آید و با مثال نقض خواجه نصیر که سبزواری نیز آن را ذکر کرده است، نقض نمی‌گردد (آشتیانی، ۱۳۷۶، ص ۲۵۹). بدین نحو که اگر دو قضیه عکس شده معادل و هم ارز یکدیگر باشند، قید «بقا کذب» صحیح است و مثال نقض مذکور در حقیقت، عکس مستوی حقیقی به شمار نمی‌آید.

دو- شهرزوری پس از ذکر این اشکال، این گونه به آن پاسخ داده است که اگر در تعریف عکس، موافقت در صدق و کذب را اضافه نماییم، باید به آن ملزم باشیم و نمی‌توان کلیه لوازم یک قضیه را عکس آن به شمار آورد. بنابراین گرچه «بعضی انسان‌ها حیوان هستند» لازمه قضیه: «هر حیوانی انسان است» می‌باشد، اما عکس مستوی آن به شمار نمی‌آید، زیرا دارای بقا در کذب نیست. وی می‌نویسد که اگر قرار باشد لازمه یک قضیه را عکس مستوی آن قضیه بدانیم، باید کلیه لوازم آن قضیه مانند عکس نقیض و... را نیز عکس مستوی آن به شمار آوریم (شهرزوری، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۸۲؛ همو، ۱۳۷۲، ص ۹۳).

سه - محمود شهابی در رهبر خرد می‌نویسد که در این مثال: «آنچه لازمه قضیه کاذب است موجود نیست و آنچه موجود است لازم قضیه کاذب نیست» (شهابی، ۱۳۶۴، ص ۲۳).

چهار- سخن خواجه از مصادیق مصادره به مطلوب است. زیرا ابن‌سینا در «تعریف» عکس مستوی بیان نکرده است که عکس موجه کلیه در همه شرایط، موجه جزئی است تا سخن خواجه نصیر مثال نقضی برای آن باشد، بلکه وی تنها بیان می‌کند که قضیه‌ای را می‌توان عکس قضیه نخست به شمار آورد که با

تغییر موضوع و محمول آن به یکدیگر، صدق یا کذب قضیه، ثابت بماند. بنابراین بر مبنای تعریف ابن سینا، عکس قضیه: «هر حیوانی انسان است»، تنها در هنگامی که بقا در صدق را بپذیریم قضیه‌ای خواهد بود که خواجه نصیر ارائه می‌نماید. اما اگر بقا در کذب را نیز به تعریف بیفزاییم، عکس این قضیه، چنان که در ادامه مقاله نشان داده می‌شود، قضیه مذکور نخواهد بود. در حقیقت خواجه نصیر با مصادره کردن مطلوب خود و پذیرفتن بقا در صدق در تعریف عکس یک قضیه، نشان می‌دهد که این تعریف واجد بقا در کذب نیست! در صورتی که این سخن، نمی‌تواند به عنوان اشکالی بر قید «بقا کذب» به شمار آید.

البته می‌توان اشکال خواجه نصیر را به نحو دیگری مطرح کرد و گفت که اگر ابن سینا قید بقا در کذب را به تعریف عکس مستوی افزوده است، چرا عکس موجه کلیه را موجه جزئی معرفتی می‌کند، در حالی که مطابق مثال خواجه نصیر، موجه کلیه کاذب، دارای عکس مستوی لازم الکذب نیست؟ اکنون اگر اشکال خواجه نصیر را به این نحو تقریر نماییم، اشکال وارد بود. نظام منطقی ابن سینا سازگار نخواهد بود. اما چرا باید برای رفع این ناسازگاری، تعریف خود از عکس مستوی را تغییر دهیم، در صورتی که می‌توانیم مصداق عکس موجه کلیه را تغییر داده و عکس آن را موجه جزئی ندانیم؟ بنابراین مثال نقض مذکور، بیانگر ناسازگاری مطالب ابن سینا در مورد قاعده عکس است و از این جهت اشکالی صحیح به شمار می‌آید. در انتهای مقاله تلاش شده‌است تا به نحوی این ناسازگاری رفع گردد.

ب - نظریات موافقان «بقا کذب»؛ عده‌ای از منطقدانان به دفاع از این قید برخاسته‌اند و توجیهاتی در مورد آن ذکر کرده‌اند که در این بخش به بررسی نظرات آنها می‌پردازیم:

۱ - برخی از منطقدانان، گرچه در کتاب‌های خود این قید را به کار نبرده‌اند، اما نظر ابن سینا را بدین نحو توجیه کرده‌اند که از آنجا که عکس یک قضیه صادق، همواره قضیه‌ای صادق است و عکس یک قضیه کاذب قضیه‌ای نامعلوم است (یا

صادق است و یا کاذب)، بنابراین اگر مشاهده کنیم که عکس یک قضیه، قضیه‌ای کاذب است می‌توان نتیجه گرفت که قضیه اولیه نیز کاذب بوده‌است. بر این اساس از نظر این گروه، قید «بقای صدق» برای رسیدن از صدق قضیه اصلی به صدق قضیه عکس است و قید «بقای کذب» برای رسیدن از کذب قضیه عکس شده به کذب قضیه اصلی است (مظفر، ۱۳۷۷، ص ۱۷۰).

نقد و بررسی: گرچه این سخن صحیح است و در صورت کاذب بودن قضیه عکس شده، قضیه نخست نیز کاذب خواهد بود؛ اما برداشت چنین منظوری از سخن ابن‌سینا بسیار دور از ذهن است.

۲ - مصحح کتاب *الهدایه* ابن‌سینا، در پاورقی مبحث عکس مستوی می‌نویسد که قید «بقا کذب» در مورد قضایای سالبه کلیه و موجبه جزئیه صحیح است. اما در مورد موجبه کلیه این قید در همه موارد صحیح نیست. وی برای نشان دادن این مطلب قضایای کاذب: «هر حیوانی انسان است» و «هر حیوانی سنگ است» را مطرح می‌کند و می‌نویسد که در مورد نخست، عکس آن صادق بوده و در مورد دوم، عکس آن کاذب است. بنابراین وی معتقد است که به دلیل آنکه موجبه کلیه کاذب دارای عکس لازم الکذب نیست، ابن‌سینا این قید را در کتاب *الهدایه* ذکر نکرده‌است (ابن‌سینا، ۱۹۷۴، ص ۸۷).

نقد و بررسی: گرچه مصحح محترم به این نکته پی‌برده است که قید بقا کذب در مورد سالبه کلیه و موجبه جزئیه صحیح به شمار می‌آید، اما به هر حال به دلیل لازم الکذب نبودن عکس موجبه کلیه، نمی‌توانیم قید مذکور را در تعریف عکس مستوی بپذیریم، زیرا در قواعد منطقی استثنا وجود ندارد. مگر چنان که پیش از این ذکر گردید، عکس موجبه کلیه را موجبه جزئیه ندانیم که در ادامه مقاله به بررسی این مسأله می‌پردازیم.

جمع‌بندی نظرات: چنان که نشان داده شد، از میان اشکالات ذکرشده در مورد قید «بقا کذب»، سه اشکال نخست وارد نیستند و تنها اشکال چهارم که بر اساس مثال نقض، شکل گرفته‌است قابل توجه است. این اشکال بیان می‌کند که در

صورتی که قید بقا کذب را در تعریف عکس مستوی لحاظ نماییم، این ایراد بر ابن سینا وارد خواهد بود که چرا پس از ذکر این قید، به لوازم سخن خود پایبند نبوده‌است و برای موجه کلیه قائل به وجود عکس شده است. در نتیجه حفظ قید «بقا کذب» با روابطی که از عکس مستوی در کتب منطق ارائه می‌شود ناسازگار است. برای تصحیح این ناسازگاری، دو راه حل وجود دارد:

۱- **تصحیح تعریف عکس**؛ بر اساس این راه حل که خواجه نصیر طوسی و پیروان وی آن را برگزیده‌اند، با حذف قید مذکور و حفظ روابط موجود از عکس مستوی، به نظامی سازگار دست می‌یابیم.

۲- **تصحیح روابط عکس**؛ بر این اساس چنانکه در این مقاله نشان داده می‌شود، با حفظ قید مذکور و تغییر روابط عکس مستوی به نظامی سازگار دست می‌یابیم. مزیت این عمل علاوه بر حفظ قیدی که ابن سینا در شش اثر منطقی خود به آن تأکید کرده آن است که قضیه عکس مستوی به دست آمده کاملاً معادل و هم‌ارز قضیه اولیه است و در صدق و کذب از آن تبعیت می‌نماید.

بررسی روابط عکس مستوی در صورت بقا در کذب

در این بخش، روابط حاصل میان قضایای محصوره را در فرض وجود این قید به دست می‌آوریم. از آنجا که مراد ابن سینا از «بقا صدق و کذب» را می‌توان به دو صورت مختلف تفسیر کرد و بر اساس هر یک به روابطی میان قضایا دست یافت، این دو تفسیر را به صورت مجزا مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف - یک تفسیر از قید بقا صدق و کذب آن است که این دو قید به صورت مجزا مورد نظر هستند؛ بدین معنا که وی روابطی میان قضایای صادق ارائه می‌کند که از صدق یکی به صدق عکس آن دست می‌یابیم و به صورت جداگانه روابط دیگری میان قضایای کاذب ارائه می‌کند که بر اساس آن از کذب یک قضیه به کذب عکس آن دست می‌یابیم. از آنجا که رابطه عکس مستوی در صورت بقا صدق در تمامی کتاب‌های منطقی ذکر شده‌است، در اینجا روابط آن را در صورت

بقا کذب بدست می آوریم. لازم به ذکر است که در این حالت، بقا صدق را در نظر نمی گیریم. می توان برای به دست آوردن این روابط از دو روش زیر استفاده کرد: روش نخست: در جدول زیر (جدول شماره ۱) رابطه عکس مستوی لازم الصدق قضایای چهارگانه ذکر شده است (جدول شماره ۱).

عکس مستوی	قضیه اصلی
صادق	صادق
بعضی ب الف است	هر الف، ب است
بعضی ب، الف است	بعضی الف، ب است
هیچ ب، الف نیست	هیچ الف، ب نیست
-----	بعضی الف، ب نیست

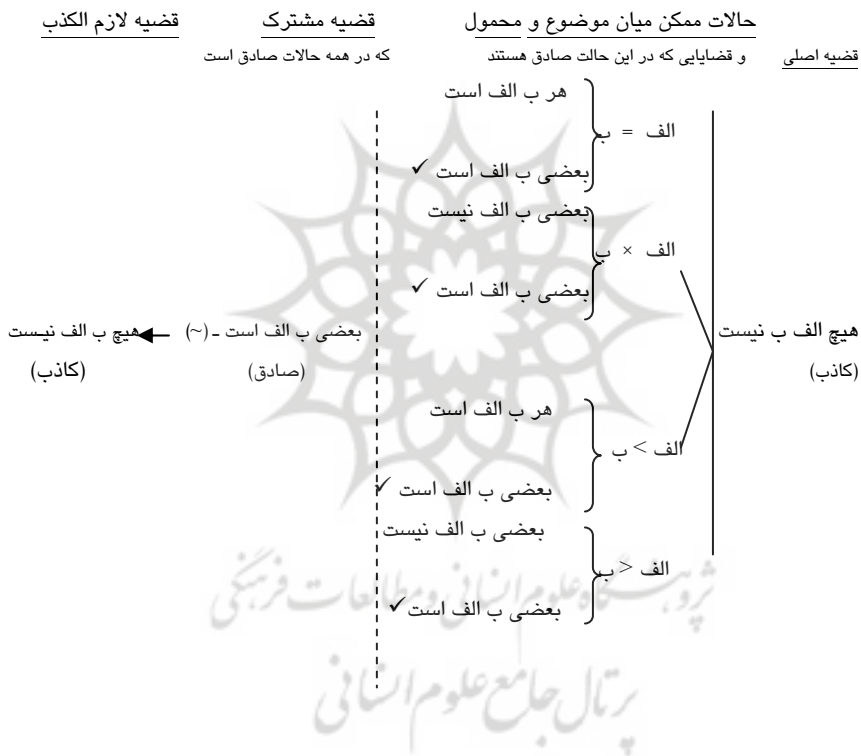
به کمک این جدول می توان روابط عکس مستوی را در حالت «بقا کذب» بدست آورد که در زیر نحوه بدست آوردن این روابط تشریح می گردد: اگر قضیه اصلی کاذب باشد، نقیض آن صادق خواهد بود. با گرفتن عکس مستوی (به کمک جدول شماره ۱) از این قضیه صادق، به قضیه صادق دیگری می رسیم که جای موضوع و محمول آن عوض شده است. سپس با گرفتن نقیض از قضیه به دست آمده، به قضیه کاذبی می رسیم که عکس لازم الكذب قضیه اولیه است. این روند در جدول زیر نشان داده شده است:

(جدول شماره ۲)

نقیض ستون ۳	عکس مستوی ستون ۲	نقیض ستون ۱	قضیه اصلی
کاذب	صادق	صادق	کاذب
-----	-----	بعضی الف، ب نیست	هر الف، ب است
بعضی ب، الف است	هیچ ب، الف نیست	هیچ الف، ب نیست	بعضی الف، ب است
هیچ ب، الف نیست	بعضی ب، الف است	بعضی الف، ب است	هیچ الف، ب نیست
هیچ ب، الف نیست	بعضی ب، الف است	هر الف، ب است	بعضی الف، ب نیست

رابطه میان یک قضیه و عکس آن (در صورت در نظر گرفتن «بقا کذب»)، در جدول فوق، میان ستون چهارم و ستون اول برقرار است. در حقیقت ستون چهارم، عکس مستوی لازم‌الکذب ستون اول به شمار می‌آید.

روش دوم: در صورتی که هر یک از قضایای محصوره کاذب باشند، می‌توان رابطه میان موضوع و محمول را از میان نسب اربع تعیین کرد و بر اساس آن قضیه لازم‌الصدقی را به دست آورد که در همه حالات صحیح است. سپس با نقیض کردن این قضیه، به قضیه لازم‌الکذب قضیه نخست دست یافت. این روند را به عنوان نمونه برای قضیه سالبه کلیه به صورت نمودار زیر ارائه کرده‌ایم^۱:



۱- در این نمودار «>>» نشانه عموم و خصوص من وجه؛ «=>» نشانه تساوی؛ «<<» نشانه عموم و خصوص مطلق و «~» نشانه نقیض است.

اثبات سایر روابط نیز از این طریق (روش دوم) امکان پذیر است. می توان روابط به دست آمده را که در آنها از کذب یک قضیه، به عکس لازم الكذب آن می رسیم، در جدول زیر خلاصه کرد:

عکس مستوی	قضیه اصلی
کاذب	کاذب
---	هر الف، ب است
بعضی ب، الف است	بعضی الف، ب است
هیچ ب، الف نیست	هیچ الف، ب نیست
هیچ ب، الف نیست	بعضی الف، ب نیست

(جدول شماره ۳)

بر این اساس می توان تعریف ابن سینا را بدین نحو تعبیر نمود که اگر قضیه ای صادق باشد، عکس مستوی آن باید صادق باشد و اگر قضیه ای کاذب باشد، عکس مستوی آن نیز باید کاذب باشد که در حالت اخیر، عکس گرفتن از قضیه، دارای قواعد خاصی است که با قواعد عکس گرفتن از قضایای صادق متفاوت خواهد بود. به عبارت دیگر، دو دسته قواعد برای عکس مستوی وجود دارد که یک دسته مربوط به قضایای صادق (جدول شماره ۱) و دسته دیگر مربوط به قضایای کاذب است (جدول شماره ۳).

ب) تفسیر دیگر از قید بقا در صدق و کذب که صحیح تر به نظر می رسد، آن است که این دو قید به صورت هم زمان مورد نظر هستند؛ در صورتی که مراد ابن سینا را اینگونه در نظر بگیریم که: عکس مستوی آن است که توسط یک قاعده واحد، هم زمان قضیه صادق را به قضیه صادق و قضیه کاذب را به قضیه کاذب مبدل سازد، می توان روابط عکس مستوی میان قضایای محصوره را با ترکیب جدول های ۱ و ۳، به صورت زیر در نظر گرفت. از آنجا که موجه کلیه کاذب، عکس لازم الكذب ندارد (رک: جدول شماره ۳) و سالبه جزییه صادق، عکس

لازم‌الصدق ندارد (رک: جدول شماره ۱)، روابط زیر میان قضایا برقرار خواهد بود:

عکس مستوی	قضیه اصلی
---	هر الف، ب است
بعضی الف، ب است	بعضی الف، ب است
هیچ الف، ب نیست	هیچ الف، ب نیست
---	بعضی الف، ب نیست

(جدول شماره ۴)

در اینجا لازم است تا چند نکته در مورد روابط به دست آمده در جدول شماره ۴ ذکر گردد:

۱- چنان که ملاحظه می‌شود این جدول با روابط عکس در منطق قیاسی جدید مشابهت دارد. به دلیل پذیرش مغالطه وجودی در منطق جدید، موجب کلیه در همه موارد دارای عکس نخواهد بود (Copi, 1995, p.219-220; تیدمن، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۲۶-۲۷). در جدول به دست آمده نیز موجب کلیه، همواره دارای عکس نیست. گرچه علت این نتیجه‌گیری در منطق جدید و مبحث موجود دو امر متفاوت است، اما مشابهت ایجاد شده قابل توجه است. شاید اگر ابن‌سینا به لازمه تعریف خود از عکس مستوی که در آن بقا در کذب را نیز در نظر گرفته بود، وفادار می‌ماند، منطقدانان اسلامی از منظری دیگر به نتیجه‌ای مشابه منطق جدید دست می‌یافتند.

۲- اگر روابط عکس میان قضایا را به صورت فوق در نظر بگیریم، عکس یک قضیه، قضیه لازم‌الصدق و لازم‌الکذب آن به شمار خواهد آمد^۱ و یا به تعبیر دیگر، قضیه معادل و هم‌ارز آن محسوب می‌گردد. در میان استدلال‌های مباشر، رابطه‌ای

۱- در کل مقاله، مراد از قضیه لازم‌الصدق، «لازم‌الصدق قضیه صادق» و مراد از قضیه لازم‌الکذب، «لازم‌الکذب قضیه کاذب» است، زیرا چنانکه تهانوی تذکر می‌دهد. ممکن است کسی از عبارت «بقاء صدق»، قضیه لازم‌الصدق یک قضیه کاذب و از عبارت «بقا کذب»، قضیه لازم‌الکذب یک قضیه صادق را برداشت نماید (تهانوی، ۱۹۹۶، ج ۲، ص ۱۲۰۳).

چون نقض‌المحمول نیز از این ویژگی برخوردار است. در صورتی که در روابط فعلی عکس مستوی که در کتب منطقی ذکر می‌گردد (جدول شماره ۱)، قضیه عکس شده تنها در صدق از قضیه اصلی پیروی می‌کند. از آنجا که تمامی استدلال‌های مباشر نظیر: عکس نقیض، نقض تام و... به کمک دو قاعده عکس مستوی و نقض‌المحمول قابل بازسازی هستند (مصاحب، ۱۳۸۵، ص ۵۶۲؛ اکبری، ۱۳۸۵، ص ۷۵)، می‌توان جدول جدیدی از روابط استدلال‌های مباشر ترتیب داد که تمامی موارد بدست آمده هم‌ارز و معادل قضیه اصلی به شمار آیند و در این صورت تمامی استدلال‌های مباشر به دست آمده، معادل قضیه اصلی خواهند بود و در صدق و کذب از آن تبعیت خواهند نمود. بنابراین در صورتی که روابط عکس مستوی را به صورت جدول شماره ۴ تصحیح نماییم می‌توانیم قید «بقا کذب» را در تعریف آن اخذ نماییم.

یافته‌های پژوهش

در این مقاله ابتدا آثاری از ابن‌سینا که در آنها قید «بقا کذب» در تعریف عکس مستوی به‌کار رفته است معرفی گردید و نشان داده شد که بر اساس شواهد موجود، نمی‌توان وجود این قید را به اشتباه کاتبان منسوب نمود. سپس نظرات مختلف منطقدانان در مورد علت طرح این قید از سوی ابن‌سینا ارائه شد و نقد و بررسی گردید. بدین منظور نظرات مطرح شده به دو دسته موافقین و مخالفین تقسیم گردید و مورد نقد قرار گرفت و نشان داده شد که در صورت اخذ این قید در تعریف عکس مستوی، نظام ابن‌سینا ناسازگار خواهد بود. سپس جهت رفع این ناسازگاری دو پیشنهاد ارائه گردید. بدین نحو که یا لازم است تا همانند خواجه‌نصیر طوسی قید مذکور را از تعریف خود حذف نماییم و یا آنکه روابط عکس مستوی را بر اساس این قید تصحیح نماییم. بر این اساس در ادامه مقاله با فرض صحیح بودن قید «بقا کذب» در تعریف عکس مستوی، روابط میان قضایا در دو حالت مختلف به دست آمد. در حالت نخست این فرض بررسی شد که دو

قاعده مستقل برای عکس مستوی وجود داشته باشد که یکی قضایای لازم‌الصدق قضیه صادق و دیگری قضایای لازم‌الکذب قضیه کاذب را مشخص می‌سازند و در حالت دوم این فرض بررسی گردید که تنها با یک قاعده، در صورت صادق بودن یک قضیه، عکس لازم‌الصدق آن و در صورت کاذب بودن آن، عکس لازم‌الکذب آن مشخص می‌گردد. همچنین در این حالت، مزایای تغییر روابط عکس مستوی مورد بررسی قرار گرفت و نشان داده شد که قضایایی که از روابط جدید به دست می‌آیند، معادل و هم‌ارز قضایای اصلی به شمار می‌آیند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

- ★ آشتیانی، میرزا مهدی، *تعليقه على شرح المنظومه السبزواری* (قسم المنطق)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۷۶
- ★ ابن سینا، *الاشارات و التنبيهات*، قم، نشر البلاغه، ۱۳۷۵
- ★ همو، *الاشارات و التنبيهات*، تصحيح محمود شهایی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۹
- ★ همو، *الاشارات و التنبيهات*، تصحيح سليمان دنيا، قاهره، دارالمعارف، ۱۳۳۶هـ
- ★ همو، *الاشارات و التنبيهات*، تصحيح يعقوب فرجه، هلند، چاپ لیدن، ۱۸۹۲م
- ★ همو، *الحکمه العروضية*، نسخه خطی، در مجموعه: Ups۳۶۴، سوئد، کتابخانه اوپسالا
- ★ همو، *دانشنامه علایی* (رساله منطق)، تصحيح محمد معین و محمد مشکوه، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۳۱
- ★ همو، *شفاه* (منطق)، تصحيح ابراهيم مدکور، قم، منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۵هـ
- ★ همو، *عیون الحکمه*، به همراه شرح فخر رازی، تصحيح احمد حجازی و احمد السقا، تهران، مؤسسه الصادق للطباعه و النشر، ۱۳۷۳
- ★ همو، *عیون الحکمه*، تصحيح عبدالرحمن بدوی، بیروت، دارالقلم، ۱۹۸۰م
- ★ همو، *عیون الحکمه*، به کوشش مجتبی مینوی، چاپ از روی نسخه خطی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۳
- ★ همو، *عیون الحکمه در: رسائل ابن سینا*، تصحيح حلمی ضیا اولکن، آنکارا، ۲۰۰۵م
- ★ همو، *القصیده المزدوجه فی المنطق*، (به همراه منطق المشرقیین)، قم، منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، افسست از روی چاپ قاهره،

۱۹۱۰م

☆ همو، *المختصر الاوسط فی المنطق*، نسخه خطی شماره: ۴۸۲۹، ترکیه، کتابخانه ایاصوفیه

☆ همو، *المسائل الغریبه العشرینیة در منطق و مباحث الفاظ* (مجموعه متون و مقالات تحقیقی)، به اهتمام مهدی محقق و توشی هیکو ایزوتسو، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مگیل، ۱۳۵۳

☆ همو، *مفاتیح الخزائن فی المنطق*، نسخه خطی، در مجموعه شماره: ۴۶۴۳، تهران، کتابخانه ملک

☆ همو، *منطق المشرقیین*، قم، منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۵هـ

☆ همو، *منطق الموجز*، نسخه خطی، در مجموعه شماره: ۱۴۴۱، ترکیه، کتابخانه جارالله

☆ همو، *الموجز الصغیر فی المنطق*، نسخه خطی، در مجموعه شماره: ۴۷۵۵/۳، ترکیه، دانشگاه استانبول

☆ همو، *الموجز الصغیر فی المنطق*، نسخه خطی، در مجموعه شماره: ۳۴۴۷، ترکیه، کتابخانه احمد ثالث

☆ همو، *الموجز الصغیر فی المنطق*، نسخه خطی، در مجموعه شماره: ۴۸۹۴/۷، ترکیه، کتابخانه نور عثمانیه

☆ همو، *نجاه*، تصحیح محمدتقی دانش پژوه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹

☆ همو، *نکت المنطق*، نسخه خطی، در مجموعه شماره: ۷۱۲ (گ ۱۴۱-۱۴۴)، تهران، کتابخانه مجلس

☆ همو، *الهدایه*، تصحیح محمد عبده، قاهره، مکتبه القاهره الحدیثه، ۱۹۷۴م

☆ ابهری، *المنطق فی الهدایه الحکمه*، مصر، مطبعه المکتبه العربیه السلطانیه، ۱۲۷۸هـ

- ☆ اکبری، رضا، «**احکام قضایا**»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، تهران، بهار ۱۳۸۵
- ☆ تهانوی، محمد علی، **کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم**، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون، ۱۹۹۶م
- ☆ تیدمن، پل، کهنین، هاوارد، **درآمدی نوبه منطق، منطق‌های قیاسی، استقرایی و...**، ترجمه: رضا اکبری، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۸۳
- ☆ حلی، جمال‌الدین حسن، **الجواهر النضید**، تصحیح محسن بیدارفر، قم، انتشارات بیدار، ۱۳۸۱
- ☆ خوانساری، محمد، **منطق صوری**، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۸۴
- ☆ رازی، فخرالدین محمد بن عمر، **الانارات فی شرح الاشارات**، تصحیح امیر فرهپور، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی، استاد راهنما عبدالله نورانی، دانشکده الهیات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴
- ☆ همو، **لباب الاشارات و التنبیها**، تصحیح احمد حجازی السقا، قاهره، مکتبه کلیات الازهریه، ۱۹۸۶م
- ☆ همو، **الملخص (بخش منطق)**، تصحیح احد فرامرز قراملکی و آدینه اصغری‌نژاد، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۱
- ☆ رازی، قطب‌الدین محمد بن محمد، **تحریر قواعد المنطقیه فی شرح الرساله الشمسیه (شرح شمسیه)**، قم، انتشارات بیدار، ۱۳۸۳
- ☆ همو، **شرح مطالع الانوار**، تصحیح محسن جاهد، پایان‌نامه دکتری فلسفه و کلام اسلامی، استاد راهنما نجفقلی حبیبی و احد فرامرز قراملکی، تهران، دانشکده الهیات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴
- ☆ سبزواری، هادی، **شرح منظومه منطق**، تصحیح: مسعود طالبی، قم، نشر ناب، ۱۴۱۷هـ

- ☆ ساوی، عمر بن سهلان، *البصائر النصيرية فی المنطق*، تعلیق محمد عبده، مصر، مطبعه الكبرى الاميريه، ۱۳۱۶هـ
- ☆ همو، *تبصره* (دو رساله دیگر در منطق)، به کوشش محمد تقی دانش پزوه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۷
- ☆ سهروردی، شهاب الدین، *حکمه الاشراف* (مجموعه مصنفات)، تصحیح هانری کربن، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۰
- ☆ همو، *اللمحات* (مجموعه مصنفات)، تصحیح نجفقلی حبیبی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۰
- ☆ همو، *منطق التلویحات*، تصحیح علی اکبر فیاض، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۴
- ☆ همو، *منطق المشارع و المطارحات*، تصحیح مقصود محمدی و اشرف عالی پور، تهران، نشر حق یاوران، ۱۳۸۴
- ☆ شهابی، محمود، *رهبر خرد*، تهران، کتابفروشی خیام، ۱۳۶۴
- ☆ شهرزوری، شمس الدین محمد، *رسائل الشجره الالهيه فی علوم الحقائق الربانيه*، تصحیح نجفقلی حبیبی، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۳
- ☆ همو، *شرح حکمه الاشراف*، تصحیح حسین ضیایی تربتی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲
- ☆ شیرازی، قطب الدین محمود بن مسعود، *شرح حکمه الاشراف سهروردی*، به اهتمام عبدالله نورانی و مهدی محقق، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۴
- ☆ طوسی، نصیرالدین محمد، *شرح الاشارات و التنبيهات*، قم، نشر البلاغه، ۱۳۷۵
- ☆ همو، *منطق التجريد*، به همراه شرح آن (الجواهر النضید) علامه حلّی، تصحیح محسن بیدارفر، قم، انتشارات بیدار، ۱۳۸۱
- ☆ فرصت شیرازی، محمد نصیر، *اشکال المیزان*، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۴۸

- ✪ مصاحب، غلامحسین، مدخل منطق صورت، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۸۵
- ✪ مظفر، محمدرضا، *المنطق*، تهران، انتشارات الهام، ۱۳۷۷
- ✪ ملکشاهی، حسن، *ترجمه و شرح اشارات و تنبیهات*، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۶۳
- ✪ مهدوی، یحیی، *فهرست نسخه‌های مصنفات ابن‌سینا*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۳
- ✪ میرزا محمد علی، *الحاشیه علی «الحاشیه علی تهذیب المنطق»*، به همراه حاشیه عبدالله، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۲هـ
- ✪ یزدی، مولی عبدالله، *الحاشیه علی تهذیب المنطق (حاشیه ملاعبدالله)*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۲هـ
- ✪ Copi, M, *Introduction to logic*, New Delhi, Prentice-Hall, Ninth Edition, 1995

